

فرگوسن: شهری با چند خیابان، در مقابل دستگاه نظامی اوباما

«پاک کردن خیابان» از وجود جوانان سیاه، از طریق اعدام خیابانی یا پرتاب کردن آنان در سیاه چال هایی به نام زندان، راهنمای پلیس آمریکا در «استقرار امنیت داخلی» است. مایکل براون، جوان 18 ساله ی اهل شهر کوچک فرگوسن یکی دیگر از قربانیان دستگاه سرکوب پلیسی امپریالیسم آمریکا در خود آمریکا بود. او «شانس» آن را نیافت که در کنار دو میلیون نفر دیگر در سیاه چال های آمریکا به زندگی ادامه دهد. مایکل براون در تاریخ 9 اوت در حالی که دستانش را به علامت «تسلیم» در مقابل ایست پلیس بالا برده بود به ضرب شش گلوله کشته شد. جاری شدن خشم مردم فرگوسن و ایستادگی شان در مقابل پلیس تا به دندان مسلح آمریکا که به تازگی از سلاح ها و تانک های نظامی برای «امن کردن شهرها استفاده می کند، جرقه ای شد که مبارزات مردم علیه خشونت پلیس را در دیگر نقاط آمریکا بلند کرد و حس همبستگی جهانی را در سراسر جهان برانگیخت. پلیس، حکومت نظامی و منع عبور و مرور شبانه را اعلام کرد اما این بر مقاومت مردم افزود. جوانان شعار دادند: من امشب آماده ام که بمیرم! زمانی که حکومت نظامی کار نکرد مجبور شدند آن را لغو کنند اما حکومت نظامی دیگری را به شکل «منع تجمعات» برپا کردند. اوباما، اولین سیاهی که در تاریخ آمریکا توسط سیستم به ریاست جمهوری برگزیده شد، ثابت کرد که به میدان آمده است تا نظام برده داری مدرن آمریکا را حفاظت کند. او به «گارد ملی» دستور داد که به کمک پلیس فرگوسن شتافته و «آرامش» را برقرار کنند و هم زمان با سخنان عوامفریبانه تلاش کرد شناخت این سرکوب را بپوشاند.

در زیر دو نمونه از اطلاعیه ها و سخنان سخنگویان حزب کمونیست انقلابی آمریکا را می خوانیم. این رفقا از هر نقطه آمریکا به فرگوسن رفته اند تا ایستادگی مردم فرگوسن را تقویت کنند و پیام انقلاب را به گوش مبارزین این ایستادگی برسانند و آنان را آگاه کنند که حزبی هست که چنین انقلابی را در آمریکا رهبری کند. شعارهای این حزب در همه تظاهرات ها شنیده می شد: «کل نظام تا مغز استخوان مقصر است»، «پلیس آدمکش محکوم باید گردد»، «رئیس پلیس اخراج باید گردد»، «برای انقلاب، علیه قدرت بجنگیم و مردم را تغییر دهیم»، «مردم فرگوسن به پا خاسته اند. شورش بر حق است.»

حزب کمونیست ایران (م.ل.م)

20 اوت 2014

www.cpimlm.com

پس از یک هفته مبارزه همه چیز عوض شده و هیچ چیز عوض نشده

سرمقاله ی نشریه «انقلاب» «ارگان حزب کمونیست انقلابی، آمریکا - یکشنبه 17 اوت 2014

همه چیز عوض شده است. مردم به پا خاستند، مبارزه کردند و حاضر نشدند در مقابل گلوله و تانک، سرزنش و ابراز همبستگی دروغین و بسیاری چیزهای دیگر عقب بنشینند. آنان مبارزه کردند و خیلی ساده خواهان اجرای عدالت در مورد قاتل مایکل براون و توقف قتل مردان جوان سیاه به دست خوک ها (پلیس ها-م) هستند. آنان خیلی ساده خواهان آن هستند که انسان بودن میلیون ها جوان به رسمیت شناخته شود. و وقتی که چنین کردند و در مقابل سگ ها و گاز اشک آور و گلوله قد علم کردند، حس احترام و همبستگی جهانی را برانگیختند، دیگران را نیز الهام بخشیدند که به پا خیزند و این مساله را بکراست در دستور گذاشتند و نوع حرف زدن و فکر کردن همه را در مورد این واقعه تغییر دادند. مردم به پا خاستند و نشان دادند که گردانندگان این سیستم چندان هم قادر متعال نیستند و خشونت آنان علیه مردم موجه نیست. این یک پیشرفت واقعی است و علتش فقط و فقط مبارزه ی مصممانه است.

با این وصف هیچ چیز عوض نشده است. هیچ عدالتی در کار نیست. خوکی که مایکل براون را به قتل رساند هنوز آزاد است. در واقع ما حتا نمی دانیم که چند گلوله به مایکل شلیک کرد. ما حتا نمی دانیم چرا این خوک ها جسد مایکل را به مدت 4 ساعت مثل لاشه ی سگی در خیابان رها کردند و چه کسانی این تصمیم هولناک را گرفتند. و رئیس پلیس خوک صفت که آن

ویدئو را منتشر کرد تا شخصیت مایکل لجن مال کند هنوز در شغل خود باقی است. حتا زمزمه ی تنبیه هیچ یک از خوک ها به گوش شنیده نمی شود. وای بر شما!

اکنون به هیچ وجه زمان متوقف کردن مبارزه یا تبدیل آن به یک رای گیری مسخره یا در جایی دیگر توسل جستن به سیاستمداران نیست. اکنون زمان آن است که مبارزه را دو چندان قدرتمند کنیم و آن را به سطحی عالی تر برسانیم. این خواست های به حق و به جا هم اکنون و نه هفته دیگر یا سال دیگر، باید برآورده شوند: این خوک باید محکوم و زندانی شود، رئیس خوک ها باید اخراج شود و هرچه زودتر گزارشی از ماقوع ماجرا داده شود.

نگویید که «اقامه اتهام علیه افراد زمان می برد» زیرا می بینیم که متهم کردن یک جوان سیاه یا لاتین و اعلام جرم علیه آنان را فوری انجام می دهید. یا وقتی می خواهید آنان به گلوله ببندید فوری این کار را می کنید و می گوید جرمشان این بود که به سرعت خود را به پیاده رو نکشیدند، دست از سیگار فروشی برداشتند یا داشتند به طرفی نگاه می کردند که نباید می کردند! ما نیازی به وعده های وزارت دادگستری که می گوید به این قضیه رسیدگی خواهد کرد نداریم. این در واقع وزارت بیدادگستری است. این وزارتخانه به تنها قضیه ای که رسیدگی می کند حفاظت از این سیستم لعنتی است و بس.

بباید واقع بین باشیم. اگر چند روز پیش مردم به حرف کسانی که می گفتند «به ران جانسون اعتماد کنید ...» «اگر مردم به حرف آن هایی که می گفتند «باشه، عصبانی باشید ولی خیلی خشمگین نباشید» گوش می دادند ... اگر وقتی خوک ها گفتند به خانه هایتان بروید، گوش می دادند ... آنگاه هیچ کدام از پیشروی هایی که شده است، نمی شد. پس، این مبارزه باید ادامه یابد و همراه با زنده نگاه داشتن این مبارزه باید از خودتان پرسید: چرا این کشتارها تکرار می شود؟ چرا پس از سالها رای دادن، تلاش برای دست یافتن به آموزش، و انجام دادن همه کارهای به اصطلاح «درست» «باز هم این اتفاق می افتد. چرا؟ علتش در آن است که ما با یک سیستم روبرو هستیم. و در حال حاضر این سیستم دیگر نیازی به میلیون ها جوان سیاه و لاتین ندارد. برای همین آنان را گیر می اندازد، زندان می کند و می کشد. این جوانان را شیطان تصویر می کند که اعمالش توجیه پذیر شود. ما نیاز به انقلابی داریم که این مساله را حل کند. نیاز به انقلابی داریم که قدرت دولتی اینان را درهم بشکند و قدرت طراز نوینی را به وجود آورد که واقعا به مردم در رها شدن و به رهایی در سراسر جهان خدمت کند.

ما نیاز به کسانی که به ما می گویند رای بدهید، به وزارت دادگستری اعتماد کنید و غیره نداریم.

ما نیاز به کسانی که می گویند مبارز هستند ولی مثل نمایندگان مجلس و دست راست پلیس عمل می کنند نداریم. ما باید متحد شده و اجرای فوری عدالت را بخواهیم.

پلیس آدمکش باید محاکمه و زندانی شود!

رئیس پلیس باید اخراج شود!

فورا گزارشی از آن چه رخداد باید داده شود!

برای انقلاب، علیه قدرت مبارزه کنیم و مردم را تغییر دهیم!

به آنان که به او باما رای دادند: **بباید واقعیت را ارزیابی کنیم**

سخنرانی جو ویله، یکی از سخنگویان حزب کمونیست انقلابی آمریکا - نشریه «انقلاب» ، 18 اوت 2014

شما امید داشتید که او باما اوضاع را تغییر بدهد. ما به شما گفتیم خیر! او جنایت های این سیستم را متوقف نخواهد کرد. ما گفتیم که او صرفا پوششی خواهد بود برای این جنایت ها. ما گفتیم که به همین دلیل او برگزیده شده است که رئیس جمهور شود. ما گفتیم که فقط از طریق **انقلاب** می توان از شر این جنایت ها خلاص شد و بخش بزرگی از این انقلاب باید به پا خاستن و مبارزه علیه این جنایت ها باشد که هر روز در جریان است و نه یک بار دیگر با امید بستن به این که یک منجی از آن بالا به نجات ما بیاید.

اکنون پس از شش سال باید نگاهی به واقعیت کنیم. چه درس هایی باید از این شش سال بیاموزیم؟

شاید دیروز 14 اوت، مصاحبه مطبوعاتی او با ما را در مورد قتل مایکل براون در شهر فرگوسن از ایالت میسوری دیدید ... او غیر از این که در رابطه با یک نسل کشی واقعی که در جریان است به مردم بگوید «آرام بگیرید» هیچ حرف دیگری نداشت ...

حتا همین اندازه هم که او با ما حرف زد به دلیل آن بود که شورش در فرگوسن، سیستمی را که او اداره می کند افشا کرده و آنان را به موضع دفاعی رانده است. مردم سراسر جهان می گویند: «او هو این قهرمان حقوق بشر را نگاه کنید!» (و او با ما کاری نمی کند جز این که جوانانی را که شورش کرده اند سرزنش کند و به پلیس علامت بدهد که تاکتیک دیگری استفاده کنند در واقع او با ما به دروغ خود را همدرد نشان می دهد تا بتواند اوضاع را آرام کند و برنامه ی حبس توده ای، آزار توده ای و به قتل رساندن جوانان سیاه و لاتین توسط پلیس که یک برنامه ی نسل کشی است ادامه یابد.

در مقابلش باید بگوییم: هرگز! صد بار نه! به او و هرکس دیگر که می خواهد نقش آتش نشانی را برای سیستم و «فرمانده کل قوای» (آن بازی کند باید بگوییم: گورتان را گم کنید.

زیرا ما با یک **سیستم** روبرو هستیم. از زمان برده داری و نسل کشی که راه را برای تبدیل شدن آمریکا به یک امپراتوری باز کرد تا کنون، این سیستم فقط بی عدالتی تولید کرده است. شکل های این بی عدالتی عوض شده است اما ریشه های عمیقی دارد که هرگز بی عدالتی را از بین نبرده، نخواهد برد و **نمی تواند** از بین ببرد. حملات دهشت بار علیه حیات و روحیه مردم هر روز به هزاران شکل آنان را له و لگد مال می کند و وقایعی چون به قتل رسیدن مایل براون صرفا آن را برجسته می کند. پس بیایید واقعیت را ببینیم و درس هایی را که باید بیاموزیم، از آن بیرون بکشیم. تا کی باید اجازه دهیم که این وضعیت ادامه یابد؟ ما نیاز به انقلاب و یک سیستم کاملا نوین داریم و هیچ چیزی کمتر از آن وضعیت را عوض نخواهد کرد. در حال حاضر باید از مردم فرگوسن و هر جایی که به پا خاسته اند الهام بگیریم و این مبارزه را جلوتر ببریم و آن را به ماه مقاومت در اکتبر که ماه مقاومت در مقابل کلیت این برنامه ی حبس توده ای و قتل جوانان توسط پلیس است پیوند بزنیم. ماه اکتبر را تبدیل به ماه مقاومتی کنیم که هزاران هزار نقطه نظر متفاوت که همه یک جمله می گویند «خیر» «تبدیل کنیم»

و در حال حاضر لازم است که همه شما با **حزب کمونیست انقلابی** در آمریکا آشنا بشوید. حزب ما دارای برنامه ای برای یک جامعه نوین است. این حزب رهبری به نام **باب آواکیان** دارد که درک نوینی از کمونیسم را تولید کرده است. به پیامی که او در سال نو 2014 به جوانان داده است گوش دهید تا منظورمان را درک کنید.

به کسانی که به او با ما رای دادند می گویم: معنای دیوانگی آن است که انسان بارها و بارها کاری را انجام دهد و هر بار انتظار نتیجه ای متفاوت داشته باشد. بیایید عاقل شویم.